

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

موضوع پایان نامه:

**" مطالعه تطبیقی تراست و نهادهای مشابه
در نظام حقوقی ایران "**

استاد راهنما:

دکتر محمدرضا پاسبان

استاد مشاور:

دکتر حبیب ... رحیمی

نگارش:

محمد مهدی برزگر

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی

سال تحصیلی:

نیمسال دوم ۸۹-۸۸

**تقدیم به پدر عزیز و مادر مهربانم،
که در نگرانی‌ها و ناملایمات زندگی
همیشه سنگ صبورم بوده‌اند.**

سپاسگذاری و تشکر

سپاس و تشکر از خداوند بخشنده و مهربان، که در تمام زندگی، بیش از شایستگی و لیاقتم نعمتهای بی کران خویش را به من عطا فرمود.

از تمامی اساتید عزیز و گرامی دانشکده حقوق علامه طباطبایی، که هم دوران کارشناسی و هم کارشناسی ارشد، زحمات فراوانی را بابت تعلیم دانش به اینجانب متحمل شدند، تشکر می کنم. تشکر ویژه می نمایم از جناب آقای دکتر پاسبان، که علاوه بر اینکه از گنجینه دانش خویش این حقیر را بهره مند نمودند، همواره همچون پدري دلسوز و مهربان، در مشکلاتی که در دوران تحصیل برایم ایجاد می شد، به یاری ام شتافتند و از هیچ کمکی دریغ ننمودند.

تشکر می نمایم از جناب آقای دکتر رحیمی که هیچگاه در رفع مشکلات علمی اینجانب کوتاهی ننمودند و همواره با صبر و حوصله، مشکلات علمی این حقیر را رفع نمودند.

تشکر فراوان می نمایم از سرکار خانم دکتر جوانمرادی که هیچگاه در دوران کارشناسی و کارشناسی ارشد در انتقال دانش خویش به این حقیر مضایقه ننمودند و در نهایت نیز زحمت داوری این پایان نامه را تقبل نمودند.

و تشکر می نمایم از کلیه کسانی که در انجام این تحقیق مرا یاری رساندند و از هیچ کمکی فروگذار نکردند. عزیزانی که ذکر نام یکایک آنها مقدور نیست.

چکیده تحقیق

یکی از ویژگیهای بارز نظام حقوقی کامن لا، وجود نهادی به نام تراست است. این نهاد محصول نابسامانی های زندگی اجتماعی و وجود قوانین خشک و انعطاف ناپذیری است که در دوران قرون وسطی و سده های میانه تاریخ کشور انگلیس، بر مردمان این سرزمین سایه افکنده بود. در طی سالیان متمادی، این نهاد رشد و توسعه یافت و امروزه یکی از مفاهیم اساسی و پر کاربرد در حقوق این کشور و نیز سایر کشورهای است که از نظام حقوقی آن متأثر شده اند.

در این نهاد، مالک با صرف نظر نمودن از حق مالکیت خویش، آنرا موضوع تراست قرار داده و حق مالکیت قانونی خود را به شخصی که تراستی نامیده می شود منتقل می نماید. وظیفه این شخص نگهداری از اموال و سرمایه گذاری آنها به منظور تأمین منافع اشخاص ذینفع یا تحقق اهدافی است که ایجاد کننده این نهاد، به منظور انتفاع این اشخاص یا تحقق این اهداف، از حق مالکیت خویش گذشته است.

این نهاد دارای احکام و ویژگیهای خاصی است که حسب انواع مختلف آن متفاوت است. از جمله ویژگیهای این نهاد می توان به عدم تأثیر اراده اشخاص ذینفع در ایجاد آن، عدم نیاز به وجود تراستی یا موافقت او برای ایجاد این نهاد، موقت بودن، فقدان شخصیت حقوقی، تجزیه مالکیت مطلق به مالکیت قانونی و انصافی، تبرعی بودن، امکان فروش و سرمایه گذاری اموال آن و امکان تغییر و تبدیل آن اشاره نمود.

وجود قصد، وجود و تعیین ذینفع و وجود و تعیین اموالی که موضوع آن قرار گیرند، شرط و رکن ایجاد این نهاد است. با این حال ممکن است این نهاد به حکم قانون یا دادگاه نیز ایجاد شود که در این موارد قصد ایجاد تراست وجود نداشته است. با ایجاد این نهاد، برای تحقق هدف از ایجاد آن، ضرورت دارد که تراستی اقدام به اداره اموال موضوع آن نماید. اختیارات تراستی، در صورتی که در سند تراست مشخص نشده باشد، به موجب قانون تعیین می گردد و قاعده کلی که قانون در این مورد در نظر گرفته، اقدام متعارف است.

از آنجا که به غیر از تراست اختصاص یافته به امور خیریه، باقی انواع تراست موقتی هستند، با پایان مدت از بین می روند. همچنین امکان انحلال ارادی آنها نیز وجود دارد. در مواردی نیز مثل وجود شروط فاسخ یا تلف اموال موضوع آن، به صورت قهری از بین می روند.

در نظام حقوقی ایران نیز می توان نهاد یا نهادهایی را یافت که برخی از ویژگیهای نهاد تراست را در خود دارند. با این حال نمی توان گفت همه این نهادها، مشابه تراست هستند. باید به دنبال نهاد یا نهادهایی بود که ویژگیهای آنها، بیشترین شباهت را با نهاد تراست داشته باشد. وقف یکی از نهادهایی است که شباهتهای بسیاری را با نهاد تراست دارا می باشد.

موضوع هر دو صرفاً مال است. هدف هر دو صرفاً انتفاع اشخاص یا اهداف معین و مورد نظر بنیان آنها است. هر دو نهاد واجد رکن مدیریتی خاصی هستند که در اداره و بقای آنها تأثیر چشمگیری دارد. در هر دو نهاد، فک ملک از مالک صورت می پذیرد. موجودیت و بقای هر دو نهاد، در گرو موجودیت و بقای اموال موضوع آنها است و سالبه به انتفاء موضوع بوده و نتیجتاً با تلف شدن آنها از بین می روند.

البته این دو نهاد تفاوتی بنیادین نیز دارا می باشند. از جمله وقف دائم است و نمی تواند موقت باشد، در حالی که تراست موقت است و اصولاً نمی تواند دائم باشد. برخلاف وقف که قابلیت انحلال ارادی ندارد، تراست از این امکان برخوردار است. در حالی که موضوع وقف فقط باید عین باشد، کلیه انواع اموال را می توان به تراست اختصاص داد. برخلاف وقف که در آن اراده موقوف علیهم یکی از ارکان عقد است، اراده اشخاص ذینفع تراست، در ایجاد آن فاقد هرگونه اثری است.

نهاد تعهد به نفع شخص ثالث نیز شباهتهای زیادی با نهاد تراست دارد. در هر دو یک رابطه مثلث گونه موجود است. در هر دو صرفاً افرادی که انتفاع آنها مورد توجه بوده است منتفع می شوند. در هیچ یک از آنها، اراده اشخاص ذینفع در ایجاد نهاد اثری ندارد. در هر دو نهاد، اشخاص ذینفع، مالک حق ایجاد شده به نفع آنها هستند. هر دو نهاد قابلیت انحلال ارادی را دارا هستند. در هر دو نهاد اشخاص ذینفع الزامی به پذیرش حق ایجاد شده ندارند. در هر دو نهاد تعهد به رساندن منفعت به اشخاص ذینفع، بر عهده شخص یا اشخاصی قرار می گیرد. هر دو نهاد رایگان و غیر معوض هستند. با این حال تفاوتی بنیادین نیز با یکدیگر دارند.

وجود رکن مدیریتی در تراست به دلیل ویژگی خاص آن، در تعهد به نفع شخص ثالث وجود ندارد. برخلاف تعهد به نفع شخص ثالث، موضوع تراست الزاماً مال است. حقوق اشخاص ذینفع تراست بسیار وسیع و گسترده است که در تعهد به نفع شخص ثالث، مشابه آنها برای شخص ثالث موجود نیست. به عنوان مثال حق نظارت بر نهاد و پایان دادن به حیات آن، برای اشخاص ذینفع تراست وجود دارد، در حالی که اشخاص

ذینفع تعهد به نفع شخص ثالث از آن بی بهره هستند. علی الاصول موجد یا تراستی نمی تواند به حیات تراستی خاتمه دهند مگر اینکه چنین حقوقی برای آنها شرط شده باشد، در صورتی که در تعهد به نفع شخص ثالث، متعهد و مشترط می توانند با فسخ یا اقاله قرارداد، تعهد را نیز از بین ببرند. علیرغم اینکه تعهد به نفع شخص ثالث مبتنی بر وجود قرارداد است، تراستی جنبه قراردادی ندارد و صرفاً با اراده منحصر مالک اموال ایجاد می شود. برخلاف تراستی، در تعهد به نفع شخص ثالث قبض و انتقال مالکیت شرط صحت نیست.

تراستی، وقف و تعهد به نفع شخص ثالث شباهتها و تفاوتهای زیادی دارند که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته اند.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه.....
۱	۱- بیان مسأله.....
۲	۲- ضرورت تحقیق.....
۳	۳- سوالات تحقیق.....
۳	۴- فرضیه های تحقیق.....
۴	۵- سوابق تحقیق.....
۵	۶- اهداف تحقیق.....
۶	۷- تعریف مفاهیم و واژگان اختصاصی.....
۶	۸- طرح تحقیق.....
۱۰	فصل اول: کلیات.....
۱۰	مبحث اول: تعریف تراست، وقف و تعهد به نفع شخص ثالث.....
۱۰	گفتار اول: تعریف تراست.....
۱۰	۱- در لغت.....
۱۱	۲- در اصطلاح.....
۱۹	گفتار دوم: تعریف وقف.....
۱۹	۱- در لغت.....
۲۰	۲- در اصطلاح.....
۲۲	گفتار سوم: تعریف تعهد به نفع شخص ثالث.....
	مبحث دوم: تاریخچه و انگیزه ایجاد تراست، وقف و تعهد به نفع شخص
۲۵	ثالث.....
۲۵	گفتار اول: تاریخچه و انگیزه ایجاد تراست.....
۳۴	گفتار دوم: تاریخچه و انگیزه ایجاد وقف.....

گفتار سوم: تاریخچه و انگیزه ایجاد تعهد به نفع شخص ثالث	۳۸
مبحث سوم: انواع تراست، وقف و تعهد به نفع شخص ثالث	۴۱
گفتار اول: انواع تراست	۴۱
بند اول: بر اساس شکل و شیوه ایجاد	۴۱
۱- تراست صریح	۴۱
۲- تراست ضمنی	۴۲
۳- تراست حکمی	۴۲
۴- تراست قانونی	۴۳
۵- تراست نتیجه	۴۴
بند دوم: به اعتبار اشخاص ذینفع	۴۶
۱- تراست خاص	۴۶
۲- تراست عام	۴۶
بند سوم: به اعتبار انجام انتقال مالکیت	۵۰
۱- تراست کامل	۵۰
۲- تراست ناقص	۵۰
گفتار دوم: انواع وقف	۵۱
بند اول: به اعتبار موقوف علیهم	۵۱
۱- وقف خاص	۵۱
۲- وقف عام	۵۱
بند دوم: به اعتبار قصد واقف	۵۲
۱- وقف انتفاع	۵۲
۲- وقف منفعت	۵۲
بند سوم: به اعتبار عدم وجود موقوف علیهم یا عدم صحت وقف بر آنها در یک دوره زمانی	۵۳
۱- وقف منقطع الاول	۵۳
۲- وقف منقطع الوسط	۵۳
۳- وقف منقطع الآخر	۵۴
گفتار سوم: انواع تعهد به نفع شخص ثالث	۵۵
بند اول: بر اساس شکل ایجاد	۵۵
۱- شرط ضمن عقد	۵۵

- ۵۶.....عوض اصلی عقد.....۲-
 بند دوم: بر اساس موضوع تعهد.....۶۲
 ۱- انجام کار.....۶۲
 ۲- خودداری از انجام کار.....۶۲
 ۳- انتقال مالکیت.....۶۲

فصل دوم: ماهیت حقوقی و شرایط صحت.....۶۴

مبحث اول: ماهیت حقوقی تراست، وقف و تعهد به نفع شخص ثالث.....۶۴

گفتار اول: ماهیت حقوقی تراست.....۶۴

بند اول: تراست قرارداد، تعهد به نفع شخص ثالث، قرض یا هبه نیست.....۶۶

۱- قرارداد.....۶۶

۲- تعهد به نفع شخص ثالث.....۶۸

۳- قرض.....۷۱

۴- هبه.....۷۲

بند دوم: تراست نمایندگی، وصیت یا امانت نیست.....۷۳

۱- نمایندگی.....۷۳

۲- وصیت.....۷۶

۳- امانت.....۷۸

بند سوم: تراست تجزیه مالکیت یا شخص حقوقی نیست.....۸۰

۱- تجزیه مالکیت.....۸۰

۲- شخص حقوقی.....۸۱

گفتار دوم: ماهیت حقوقی وقف.....۸۶

بند اول: وقف مطلقاً ایقاع است.....۸۶

بند دوم: وقف خاص عقد و وقف عام ایقاع است.....۸۷

بند سوم: وقف مطلقاً عقد است.....۸۷

گفتار سوم: ماهیت حقوقی تعهد به نفع شخص ثالث.....۹۰

بند اول: ایجاب یا پیشنهاد یا دو قرارداد.....۹۰

بند دوم: اداره فضولی مال غیر.....۹۳

بند سوم: نظریات مبتنی بر عدم دخالت اراده شخص ثالث.....۹۵

۱- اراده یک جانبه متعهد.....۹۵

- ۹۶- نظریه ایجاد استثنای حق به سود ثالث.....
- مبحث دوم: شرایط صحت تراست، وقف و تعهد به نفع شخص ثالث..... ۹۹
- گفتار اول: اراده و اهلیت طرفین..... ۹۹
- بند اول: اراده و قصد..... ۹۹
- ۱- اراده های تأثیرگذار..... ۱۰۰
- ۱-۱- تراست..... ۱۰۰
- ۲-۱- وقف..... ۱۰۲
- ۳-۱- تعهد به نفع شخص ثالث..... ۱۰۳
- ۲- شیوه اعلام اراده..... ۱۱۱
- ۱-۲- تراست..... ۱۱۲
- ۲-۲- وقف..... ۱۱۵
- ۳-۲- تعهد به نفع شخص ثالث..... ۱۱۶
- بند دوم: اهلیت طرفین..... ۱۱۷
- ۱- تراست..... ۱۱۷
- ۲- وقف..... ۱۱۸
- ۱-۲- اهلیت واقف..... ۱۱۸
- ۲-۲- اهلیت موقوف علیهم..... ۱۲۰
- ۱-۲-۲- در وقف بر اشخاص..... ۱۲۰
- ۲-۲-۲- در وقف بر جهات و مصالح..... ۱۲۰
- ۳- تعهد به نفع شخص ثالث..... ۱۲۳
- گفتار دوم: شرایط موضوع..... ۱۲۳
- بند اول: نوع مال..... ۱۲۴
- ۱- تراست..... ۱۲۴
- ۲- وقف..... ۱۲۴
- ۳- تعهد به نفع شخص ثالث..... ۱۲۶
- بند دوم: وجود مال..... ۱۲۷
- ۱- تراست..... ۱۲۷
- ۲- وقف..... ۱۲۷
- ۳- تعهد به نفع شخص ثالث..... ۱۲۷
- بند سوم: معلوم و معین بودن مال..... ۱۲۸

- ۱۲۸ ۱- تراست
- ۱۳۰ ۲- وقف
- ۱۳۲ ۳- تعهد به نفع شخص ثالث
- ۱۳۳ بند چهارم: انتقال مالکیت یا قبض
- ۱۳۳ ۱- انتقال مالکیت
- ۱۳۳ ۱-۱- تراست
- ۱۳۶ ۱-۲- وقف
- ۱۴۰ ۱-۳- تعهد به نفع شخص ثالث
- ۱۴۲ ۲- قبض
- ۱۴۲ ۱-۲- اثر قبض
- ۱۴۲ ۲-۱-۱- در تراست
- ۱۴۳ ۲-۱-۲- در وقف
- ۱۴۵ ۲-۲- شرایط اعتبار
- ۱۴۵ ۲-۲-۱- تراست
- ۱۴۶ ۲-۲-۲- وقف
- ۱۴۸ ۲-۳- قبض
- ۱۴۸ ۲-۳-۱- تراست
- ۱۴۸ ۲-۳-۲- وقف
- ۱۵۰ بند پنجم: بودن در ملکیت
- ۱۵۰ ۱- تراست
- ۱۵۰ ۲- وقف
- ۱۵۲ ۳- تعهد به نفع شخص ثالث
- ۱۵۳ بند ششم: قابلیت بقاء
- ۱۵۳ ۱- تراست
- ۱۵۳ ۲- وقف
- ۱۵۵ گفتار سوم: شرایط انتفاع و ذینفع
- ۱۵۵ بند اول: حبس مال و مدت آن
- ۱۵۵ ۱- تراست
- ۱۵۸ ۲- وقف
- ۱۶۲ بند دوم: تسبیل منفعت یا صرف منافع

۱۶۲	۱- معنا و مفهوم
۱۶۲	۱-۱- در تراست
۱۶۲	۲-۱- در وقف
۱۶۴	۲- شرایط اعتبار
۱۶۴	۲-۱- در تراست
۱۶۵	۲-۲- در وقف
۱۶۸	۳- آثار مترتب بر آن
۱۶۸	۳-۱- در تراست
۱۶۸	۳-۲- در وقف
۱۶۹	بند سوم: وجود ذینفع
۱۶۹	۱- تراست
۱۷۱	۲- وقف
۱۷۵	۳- تعهد به نفع شخص ثالث
۱۷۸	بند چهارم: معلوم و معین بودن ذینفع
۱۷۸	۱- تراست
۱۸۱	۲- وقف
۱۸۳	۳- تعهد به نفع شخص ثالث
۱۸۶	گفتار چهارم: مشروعیت جهت
۱۸۷	بند اول: تراست
۱۸۹	بند دوم: وقف
۱۹۲	بند سوم: تعهد به نفع شخص ثالث
۱۹۳	فصل سوم: آثار حقوقی و موارد انحلال
۱۹۳	مبحث اول: آثار حقوقی تراست و وقف
۱۹۳	گفتار اول: شرایط مدیر، تعیین و عزل و حق الزحمه او
۱۹۵	بند اول: شرایط مدیر
۱۹۵	۱- شرایط قانونی
۱۹۵	۱-۱- تراستی
۱۹۷	۲-۱- متولی
۱۹۸	۲- شرایط مورد نظر موجد و واقف

۱۹۸	۱-۲- شرایط مورد نظر موجد.....
۱۹۹	۲-۲- شرایط مورد نظر واقف.....
۱۹۹	بند دوم: تعیین و عزل مدیر.....
۱۹۹	۱- تعیین مدیر.....
۱۹۹	۱-۱- در تراست.....
۲۰۰	۱-۱-۱- تعیین تراستی.....
۲۰۶	۱-۲-۱- اختیار رد یا قبول تراستی.....
۲۰۸	۲-۱- در وقف.....
۲۰۸	۱-۲-۱- تعیین متولی.....
۲۱۲	۱-۲-۱- اختیار رد یا قبول متولی.....
۲۱۳	۲- عزل مدیر.....
۲۱۴	۱-۲- عزل تراستی.....
۲۱۴	۲-۲- عزل متولی.....
۲۱۵	بند سوم: حق الزحمه یا اجرت مدیر.....
۲۱۵	۱- حق الزحمه یا اجرت تراستی.....
۲۱۷	۲- حق الزحمه یا اجرت متولی.....
۲۱۸	گفتار دوم: اختیارات، وظایف و مسئولیتهای مدیر و نظارت بر او.....
۲۱۸	بند اول: منشاء وظایف و اختیارات و تفویض آنها.....
۲۱۹	۱- منشاء وظایف و اختیارات.....
۲۱۹	۱-۱- در تراست.....
۲۲۰	۲-۱- در وقف.....
۲۲۱	۲- تفویض وظایف و اختیارات.....
۲۲۲	۱-۲- در تراست.....
۲۲۳	۲-۲- در وقف.....
۲۲۳	بند دوم: وظایف و مسئولیتهای مدیر.....
۲۲۴	۱- وظایف.....
۲۲۴	۱-۱- حفظ و نگهداری اموال.....
۲۲۴	۱-۱-۱- در تراست.....
۲۲۵	۱-۲-۱- در وقف.....
۲۲۷	۲-۱- سرمایه گذاری اموال.....

۲۲۸ ۱-۲-۱- در تراست
۲۳۳ ۲-۲-۱- در وقف
۲۳۷ ۳-۱- تقسیم منافع و سرمایه
۲۳۸ ۱-۳-۱- در تراست
۲۳۹ ۲-۳-۱- در وقف
۲۴۰ ۲- مسئولیتها
۲۴۱ ۱-۲- مسئولیتهای تراستی
۲۴۴ ۲-۲- مسئولیتهای متولی
۲۴۵ بند سوم: نظارت بر مدیر
۲۴۶ ۱- نظارت بر تراستی
۲۴۹ ۲- نظارت بر متولی
۲۵۱ مبحث دوم: آثار حقوقی تعهد به نفع شخص ثالث
۲۵۱ گفتار اول: در رابطه میان طرفین عقد اصلی
۲۵۲ بند اول: اجبار متعهد
۲۵۴ بند دوم: فسخ عقد در فرض تعذر اجرای شرط
۲۵۵ بند سوم: استفاده از حق حبس توسط مشتری
۲۵۵ بند چهارم: مطالبه وجه التزام و خسارت توسط مشتری
۲۵۶ بند پنجم: اجرای تعهد به نفع مشتری
۲۵۹ بند ششم: اقاله و فسخ عقد
۲۶۴ گفتار دوم: در رابطه میان متعهد و شخص ثالث
۲۶۴ بند اول: حق اجبار متعهد
۲۶۶ بند دوم: فسخ عقد توسط شخص ثالث
۲۶۷ بند سوم: استناد به ایرادات مربوط به قرارداد پایه توسط متعهد
۲۷۰ بند چهارم: حق شخص ثالث در رد تعهد
۲۷۱ بند پنجم: عدم توارث تعهد به نفع شخص ثالث
۲۷۳ گفتار سوم: در رابطه میان مشتری و شخص ثالث
۲۷۳ بند اول: عدم امکان اجبار مشتری توسط شخص ثالث
۲۷۴ بند دوم: عدم امکان اجبار شخص ثالث به رد یا قبول تعهد
۲۷۴ بند سوم: عدم ورود حق شخص ثالث به دارایی مشتری
۲۷۶ بند چهارم: برائت ذمه مشتری

۲۷۶	بند پنجم: امکان استرداد موضوع تعهد
۲۷۷	بند ششم: اسقاط تعهد به نفع شخص ثالث
۲۸۰	مبحث سوم: انحلال تراست، وقف و تعهد به نفع شخص ثالث
۲۸۰	گفتار اول: انحلال تراست و وقف
۲۸۱	بند اول: موارد انحلال
۲۸۱	۱- موارد انحلال ارادی
۲۸۱	۱-۱- تراست
۲۸۲	۱-۲- وقف
۲۸۵	۲- موارد انحلال قهری
۲۸۵	۱-۲- تلف اموال
۲۸۵	۱-۱-۲- تراست
۲۸۵	۱-۲-۲- وقف
۲۸۶	۲-۲- پایان مدت
۲۸۷	۱-۲-۲- تراست
۲۸۷	۲-۲-۲- وقف
۲۸۸	۳-۲- از بین رفتن تجزیه در مالکیت
۲۸۹	۴-۲- اعمال حق شفعه
۲۹۰	بند دوم: اثر تعذر صرف منافع و فروش اموال در حیات تراست و وقف
۲۹۰	۱- در تراست
۲۹۲	۲- در وقف
۲۹۸	بند سوم: سرنوشت اموال پس از انحلال
۲۹۹	۱- در تراست
۲۹۹	۲- در وقف
۳۰۰	گفتار دوم: انحلال تعهد به نفع شخص ثالث
۳۰۰	بند اول: بطلان عقد اصلی
۳۰۱	۱- عیوب اراده
۳۰۱	۲- عدم اهلیت
۳۰۳	۳- فقدان موضوع یا ابهام و اشتباه در آن
۳۰۴	۴- شروط مبطل عقد
۳۰۴	۵- جهت نامشروع

۳۰۵ بند دوم: انحلال عقد صحیح
۳۰۵ ۱- فسخ و رجوع
۳۰۷ ۲- اقاله
۳۰۸ ۳- انفساخ
۳۰۸ بند سوم: فوت شخص ثالث
۳۱۰ بند چهارم: رد تعهد
۳۱۱ نتیجه
۳۱۵ فهرست منابع

علائم اختصاری

فارسی:

جلد	ج
صفحه	ص
صفحات	صص
قانون تجارت	ق.ت
قانون مجازات اسلامی	ق.م.ا
قانون مدنی	ق.م
ماده	م

انگلیسی:

Ibid	Ibidem ("همان" در ارجاع بی فاصله)
Op.cit	Opere citato ("همان" در ارجاع با فاصله)
P.	Page (صفحه)
PP.	Pages (صفحات)
S.	Section (ماده)

مقدمه

۱- بیان مسأله

مفهوم تراست که در خانواده حقوقی رومی-ژرمنی ناشناخته است، مفهومی اساسی و پر کاربرد در حقوق کشورهای واجد نظام کامن لا و به ویژه انگلیس بوده و مهمترین مخلوق قواعد انصاف است. تراست نهادی است که در نظام حقوقی انگلیس واجد اهمیت فراوانی است. در بیان میزان اهمیت این نهاد یکی از حقوقدانان اظهار داشته است "تراست مهمترین بخش انصاف و بزرگترین و بارزترین دستاورد انگلیسی ها در زمینه دانش حقوق بوده است."^۱

حقوقدان دیگری در این باره معتقد است "اگر از ما پرسند بزرگترین و چشمگیرترین کاری که شما انگلیسی ها در دانش حقوق انجام داده اید چه بوده است، فکر نمی کنم که پاسخی بهتر از این داشته باشیم که ما از قرنی به قرن دیگر، ایده تراست را توسعه داده ایم."^۲

در بیان میزان اهمیت آن، برخی از حقوقدانان تا جایی پیش رفته اند که تراست را "فرشته نگهبان آنگلو ساکسون" می دانند، که به طرز خستگی ناپذیری آنرا همه جا، از گهواره تا گور همراهی و پشتیبانی می کند.^۳ علت این امر کاربرد متعدد و زیاد این نهاد است و همین مسأله موجب استقبال از این نهاد و اقبال به آن شده است. نهاد حقوقی تراست با عنایت به مصادیق مختلف و متنوع خود، در این کشورها نقشی بسیار مهم و پر رنگ ایفا نموده، و یکی از پرکاربردترین نهادهای حقوقی است که از آن برای تحقق اهداف و مقاصد گوناگون و متعدد استفاده می شود.

به عنوان مثال، مردمان نیکوکار و بشر دوست برای خدمت به هموعان و رفع حوائج آنها و بقاء نام و اثر خود، در زمان حیات، تمام و یا قسمتی از اموال خود را به کارهای خیر و نیازمندی های اجتماعی اختصاص داده و بر اساس سنن و آداب ملی یا مذهبی خود، ترتیبی داده اند که خود آن مال همیشه باقی

1 -Alastair Hudson, **Equity & Trusts**, (Cavendish publishing, London, 2005, fourth edition), P. 35.

2 -David John Hayton, **Fundamental Principles of the Law of Trusts**, (Sweet & Maxwell, London, 1991, ninth edition), P. 2.

3 -**Ibid.** "The trust is the guardian angel of the Anglo-Saxon, accompanying him everywhere, from the cradle to the grave".

و منافع آن به مصارف مخصوص برسد. در حقوق انگلیس و آمریکا و به طور کلی کشورهای جزء خانواده کامن لا، از نهاد تراست برای نیل به چنین اهدافی استفاده می شود.

شایان ذکر است که مورد مزبور، تنها یکی از موارد کاربرد نهاد تراست است. این نهاد با عنایت به مصادیق مختلف و متنوع خود، نقشی بسیار فراتر و پرننگ تر از تحقق هدف مذکور ایفا می نماید؛ به طوری که از این نهاد برای تحقق اهداف وسیع و متنوعی مثل تصفیه ترکه، تصفیه اموال ورشکسته، حمایت از محجورین و ... استفاده می گردد.

نقش تراست در این کشورها، در تنظیم روابط اجتماعی بسیار وسیع است، به نحوی که می توان گفت هر گاه مالی غیر از مالکیت مطلق، در تصرف شخصی باشد، معمولاً تحت عنوان تراست خواهد بود. تراست در این کشورها از جایگاه و ماهیت ویژه و پیچیده ای برخوردار است. چرا که دارای ویژگیهایی است که شباهتهایی با دیگر نهادها مثل وصیت، هبه، و کالت و ... ایجاد می نماید.

تراست دارای ویژگیهای خاصی است و ماهیت، مفهوم و احکام و قواعد حاکم بر آن، برای حقوقدانان و قضات ما روشن نشده است و قضات و حقوقدانان ایرانی، عموماً با این نهاد نامأنوس و ناآشنا هستند. به همین دلیل نهاد یا نهادهای مشابه آن نیز در نظام حقوقی ملی، به دقت مورد بررسی قرار نگرفته است.

۲- ضرورت تحقیق

مطالعه تطبیقی تراست با نهاد یا نهادهای مشابه آن در نظام حقوقی ملی، از جهات متعددی حائز اهمیت بوده و ضروری به نظر می رسد.

یکی از این جهات، اجرای مقررات حقوق بین الملل خصوصی است که در آنها یک عنصر خارجی وجود دارد و در نتیجه آن، در محاکم داخلی، می بایست حقوق خارجی مورد اجرا قرار گیرد. بنابراین، اگر دعوی در ارتباط با تراست در محاکم داخلی مطرح گردد، هرچند این مسأله به مثابه امری موضوعی است که اثبات آن تکلیف متداعیین است، اما نباید از این مسأله غافل بود که احاطه کامل به موضوع دعوی و امکان صدور رأی صحیح و عادلانه، تنها زمانی ممکن خواهد بود که مفهوم و ماهیت و احکام و قواعد ناظر بر تراست، به صورت همه جانبه و دقیق و به اندازه لازم تبیین شده باشند.